

**Social and political consequences, challenges and obstacles in the
defense rights of the accused**

Article Type: Research Article

Abstract

Much has been written and said about the defense rights of the accused. However, there are still many obstacles and challenges in the execution process in the criminal proceedings that the defendant actually faces. Density of cases, lack of judges in the organizational chart, multiplicity and variety and confusion of laws, lack of office space and rented buildings, lack of nobility accused of his defense rights Restricting the lawyer's intervention in the form of "not having access to the case", influencing some special officers in making decisions and appointments of judicial authorities in the form of "right to discover crime" for officers who It can seriously endanger the rights and legitimate freedoms of those who did not commit the crime, lack of training or insufficient training of officers and also lack of supervision over their performance, writing of some high judicial officials to the quantity and statistics of cases that may be accurate and The quality of becoming a victim of statistism is one of the obvious examples of obstacles and challenges that the accused faces in the practical and executive process of criminal proceedings.

Keywords: Defendant's right to defense, obstacles and challenges, Political and social righ

پیامدهای اجتماعی و سیاسی، چالش ها و موانع موجود در حقوق دفاعی متهم

ابراهیم عبدالله پور^۱

اکبر رجبی^۲

سمیرا گل خندان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۳

چکیده:

راجع به حقوق دفاعی متهم، سخن بسیار نوشته و گفته شده است. مع الوصف کماکان موانع و چالش های فراوانی در بستر اجرا و در پروسه دادرسی کیفری به چشم می خورد که متهم عملاً با آن مواجه است. تراکم پرونده ها، کمبود قاضی در چارت سازمانی، کثرت و تنوع و آشفتگی قوانین، کمبود فضای اداری و ساختمانهای استیجاری، عدم اشراف متهم به حقوق دفاعی خویش، محدود کردن مداخله وکیل در قالب «قرار عدم دسترسی به پرونده»، تاثیرگذاری برخی ضابطین خاص در اتخاذ تصمیمات و قرارهای مقامات قضایی، پیش بینی مزایای مالی در قالب «حق کشف جرم» برای ضابطین که می تواند حقوق و آزادی های مشروع افراد ناکرده بزه را با مخاطره و چالش جدی مواجه نماید، عدم آموزش یا ناکافی بودن تعلیمات ضابطین و ایضاً عدم نظارت بر عملکرد آنها، نگرش برخی مقامات عالی قضایی به کمیت و آمار پرونده ها که ممکن است دقت و کیفیت قربانی آمارگرایی شود از مصادیق بارز موانع و چالش هایی است که متهم در فرآیند عملی و اجرایی دادرسی کیفری با آن مواجه می باشد.

کلید واژه: حق دفاع متهم، موانع و چالش ها، حقوق سیاسی و اجتماعی

^۱دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

^۲استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

^۳استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین، خمین، ایران

مقدمه:

خداوند متعال انسان را آزاد آفریده است. به بیان بهتر آزادی موهبتی است الهی. آزادی این واژه زیبا؛ اصل بالذات، خدشه ناپذیر و غیر قابل انکار از شخصیت انسانی است. پر واضح و مبرهن است دولت‌ها و حکومت‌ها آزادی را به شهروندان اعطا و تفویض نکرده‌اند تا اختیاری در سلب یا محدود کردن آن داشته باشند.

حق حیات بعنوان جزء لایتجزا و فرد اجلای آزادی، زمینه و بستر ظهور و تبلور سایر حقوق و آزادی‌های مشروع افراد را فراهم می‌نماید. شخصی که در مظان اتهام واقع شده، بر خلاف اصل برائت مورد تعرض و تعدی قرار گرفته است و چنین شخصی که در هر حال یک انسان است حق دارد با بهره‌گیری از حقوق انسانی در قبال این تجاوز و اتهام از خود دفاع نماید؛ چرا که دفاع از هر حیث حقی است طبیعی.

این حق به مجموعه تضمینات قانونی و قضایی در سراسر یک رسیدگی کیفری اطلاق می‌شود. پاسداری و صیانت از حقوق متهمینی که برچسب مجرمانه به آنها زده شده، بیش از هر امر دیگری حساس و مهم است. امروزه اهمیت حقوق متهم بر هیچ کسی پوشیده نیست. حق برخورداری از فرضیه بیگناهی، حق تفهیم اتهام، حق سکوت، مصونیت از دستگیری و برخورداری از فرضیه بیگناهی، حق تفهیم اتهام، مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق انتخاب وکیل، حق مصونیت از شکنجه در اثنای بازجویی و... از موارد حقوق اولیه و ذاتی متهم به شمار می‌رود.

پرواضح و مبرهن است که صرف قانون نویسی، صدور بخشنامه و دستورالعمل به تنهایی نمی‌تواند حقوق متهم را تضمین نماید. امر تقنین، شرط لازم است ولی کافی نیست. آنچه واجد اهمیت است اینکه آیا این حقوق دفاعی متهم که راجع به آن بسیار گفته شده، جامه عمل نیز پوشانده می‌شود یا خیر؟

سند تحول قضایی که حدود دو سال قبل توسط رئیس جمهور فعلی به عنوان رئیس قوه قضائیه وقت تصویب شده نیز بدون اجرای مفاد آن صرفاً یک منشور زیبا و قشنگ جلوه می‌نماید. هر چند با نگرش و مذاقه در مفاهیم و مندرجات سند تحول قضایی نیز عبارات و مطالب نامأنوس، پیچیده، ناهمگون، پراکنده بوده و در عین حال آشفتگی در متن آن به چشم می‌خورد و به زعم نگارنده عنوان زیبایی برای آن انتخاب شده است.

از منظر نویسنده این مقاله اساساً ضرورتی به تصویب این سند نبوده و همان قانون آئین دادرسی کیفری به شرطی که مفاد آن اجرایی و عملیاتی شود، کفایت می‌نماید. شوربختانه باید به این واقعیت تلخ اذعان نمود که نه تنها در عدلیه، بلکه در ساختار اجرایی و حاکمیتی نیز گفتمان برخی مسئولین در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها در تریبون‌های رسمی همچون مدینه فاضله جلوه می‌نماید، به نحوی که صاحب منصبان و مقامات بدون توجه به واقعیات ملموس و عینی، غالباً در صدد حل صورت مسأله می‌باشند. لیکن در پروسه اجرا و در بسر عمل با موانع و چالش‌های فراوانی مواجه می‌باشند.

به جرأت می‌توان ادعا کرد بالغ بر ۸۰ درصد قضات هم سند تحول قضایی را نه دیده‌اند و نه خوانده‌اند، چه برسد به عموم و آحاد افراد جامعه. مهم اعمال و برخورداری متهمین از حقوق حقه و قانونی خویش می‌باشد.

موضوع به قدری با اهمیت است که قرآن کریم کتاب آسمانی ما در آیات قابل ملاحظه ای بدان پرداخته است: « يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ^۱ حاکمی از اهتمام قرآن کریم به تحقق عدالت کیفری است.»

۱. لزوم ارائه کارت ضابطیت جهت احراز هویت ضابطین دادگستری

قانونگذار در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به لزوم احراز هویت ضابطان از طریق ارائه کارت ضابطیت پرداخته است؛ چرا که این نقص و خلأ قانونی قبلاً به چشم می‌خورد و از نکات برجسته قانون لاحق به شمار می‌رود.

ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به لزوم معرفی و اعلام هویت ضابطین دادگستری و مواد ۲۸، ۳۰ و ۳۲ همان قانون به بیان تعریف و شرایط ضابطین دادگستری پرداخته است. از طرف دیگر ماده ۳۳ همان قانون اجازه بازرسی از واحدهای انتظامی را به دادستان تفویض نموده است.

این بدعت و نوآوری قانون آئین دادرسی کیفری را باید به فال نیک گرفت و آنرا اقدام مطلوبی در استای اجرای عدالت کیفری تلقی و قلمداد نمود.

از طرف دیگر به موجب نظریه مشورتی ۷/۹۴/۱۱۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۰ «... تخطی از گذراندن دوره های آموزشی ویژه ضابطان توسط ضابطان دادگستری مطابق ماده ۶۳ قانون آئین دادرسی کیفری دارای ضمانت اجرای کیفری است...».

بعلاوه قانونگذار پس از مدت ها گمانه زنی و آزمون و خطا، نهایتاً به موجب بند ب ماده ۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ وزارت اطلاعات و همچنین سازمان اطلاعات سپاه را بعنوان ضابط خاص پذیرفته است.

تاکنون در ادوار تقنینی مراجع فوق الاشعار به عنوان ضابط دادگستری مسبوق به سابقه نبوده است. بنظر می‌رسد وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در جایی که جرم مهم است (از حیث امنیتی و هم از جهت مالی و اقتصادی) و ایضاً در مواردی که مرتکب بزه نیز از مقامات و مسئولین کشوری و لشگری در سطح استانها و شهرستانها باشد، بعنوان ضابط در پرونده ها ورود می‌کنند. اما نکته ای که توجه به آن حائز اهمیت است اینکه دستگاه قضایی که پرچمدار اجرای عدالت و ملجأ افراد بزه دیده می‌باشد و رسالت ذاتی این مرجع احقاق حق است، بایستی همواره استقلال خویش را حفظ نماید. قضات شجاع و با تقوا در این فرایند نقش مهمی را ایفا می‌نمایند.

دغدغه جدی که به ذهن متبادر می‌شود اینکه قضات در پرونده های ویژه از قبیل سیاسی و امنیتی و در اتخاذ تصمیمات قضایی، صدور قرارها و انشای آراء تحت تأثیر و القای نهادهای صدرالذکر بعنوان ضابطین خاص قرار نگیرند و تصمیمات قضایی به تقاضا یا پیشنهاد این مراجع اتخاذ نگردد.

^۱ سوره مبارکه «ص» / آیه شریفه ۲۶

بعضاً این نگرانی وجود دارد که مبدا حتی در اندک و معدود مواردی این اتفاق ناخوشایند و خلاف موازین قانونی محقق گردد.

قضات خود مظهر عدالت هستند و استقلال قضایی در کنار بی طرفی قاضی بعنوان اصول و ارکان دادرسی ها و محاکمات عادلانه به شمار می رود.

هر گاه در جامعه ای به استقلال قاضی گزند و خدشه ای وارد شود، عدالت قضایی در آن جامعه رخت بر بسته است.

از طرف دیگر تبصره ماده ۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای آن دسته از قضاتی که پرونده ها را جهت انجام تحقیقات به اشخاص غیر از ضابطین دادگستری ارجاع نمایند، ضمانت اجرای محکومیت انتظامی پیش بینی نموده است.

قابل ذکر است به موجب ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷، مجازات انتظامی درجه ۴ «کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یکسال» می باشد. این ضمانت اجرا حکایت از اهمیت موضوع و عنایت قانونگذار به این مهم دارد.

البته از نوآوری قانون آئین دادرسی کیفری جدید، ضمانت اجرای محکومیت انتظامی برای صاحب منصبان اعم از قضات و ضابطین دادگستری نه تنها در تبصره ماده ۳۲، بلکه در قسمت های دیگر این قانون هم به چشم می خورد. «ماده ۶۳، تبصره ماده ۱۶۸، ماده ۱۹۶، تبصره ماده ۲۲۹، تبصره ماده ۲۵۰ و...» که دلالت بر ضمانت اجرای تخلفات مقامات و متصدیان امر راجع به حقوق دفاعی متهم در فرایند دادرسی کیفری می نماید که البته در خور تحسین است و باعث می شود صاحب منصبان مقررات قانونی را به نحو احسن راجع به حقوق متهمان رعایت نمایند.

با وصف تدوین مقررات جامع و کامل، از نقطه نظر عملی و چالش هایی که متهم در فرایند دادرسی کیفری خصوصاً مرحله تحقیقات مقدماتی با آن مواجه است، اجمالاً می توان به دستگیری متهمین توسط افرادی غیر از ضابطین دادگستری اشاره کرد که بعضاً ممکن است این افراد تعاملاتی هم با پلیس داشته باشند که البته بسیار خطرناک بوده و از مصادیق لطمه و خدشه به حقوق دفاعی متهم می باشد.

بعلاوه چالش دیگر در این قسمت که در فرایند عملکرد و اجرا ملموس و محسوس است، اینکه ضابطین اساساً تمایلی به معرفی خود و مآلاً ارائه کارت ضابطیت ندارند. خصوصاً اینکه لباس شخصی نیز بر تن دارند.

متأسفانه رویه های عملی بعضی ضابطین حکایت از آن دارد که به محض تقاضای مخاطب مبنی بر ارائه کارت یا دستور قضایی، ضابط عصبانی شده و از کوره درمی رود. این واکنش و برخورد ناشی از وضعیت خلقی و روحیات برخی از ضابطین می باشد که بعضاً تهاجمی توأم با آسیب های بدنی است. در حالی که حداقل حق هر شهروندی است که در قبال هر گونه تعرض از خود محافظت و عندالاقضاء دفاع نماید؛ چراکه اساساً دفاع از هر حیث امری است پسندیده. هر چند این تعرض از سوی مأمور دولت باشد.

ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت شرایطی دفاع در قبال رفتار مغایر قانون و تجاوز مآبانه مأمورین را جایز دانسته است.

با التفات به مراتب پیش گفته شایسته است ضابطین در مواجهه با متهمین با ارائه کارت ضابطیت خود را معرفی نمایند.

همچنین چالش دیگر در این راستا که عملاً حقوق متهم را به مخاطره می‌اندازد، اینکه بعضی از ضابطین کارت ضابطیت اخذ ننموده‌اند. این بدان معناست که آموزش‌ها و تعلیمات لازم تحت نظر مقامات قضایی را فرا نگرفته‌اند.

مقتضی است مقامات تقنینی و قضایی سریعاً بستر و موجبات احیای پلیس قضایی را فراهم نمایند. در غیر این صورت، دادستان هر شهرستان شخصاً یا از طریق مقامات قضایی مجرب ترجیحاً دارای تحصیلات تکمیلی همواره نسبت به آموزش مفاهیم کیفری و ایضاً تعلیمات انجام صحیح وظایف قانونی ضابطین اقدام نمایند. برگزاری دوره‌های آموزشی به صورت متوالی یا متناوب زمینه را جهت نیل به عدالت کیفری مطلوب فراهم می‌نماید.

۲. لزوم تبیین و تفکیک صحیح جرم مشهود از غیر مشهود و تأثیر آن در اعمال و اجرای حقوق دفاعی متهم

قانونگذار به منظور حفظ حقوق بزه دیده و ایضاً برقراری نظم و امنیت در اجتماع از یک طرف و رعایت حقوق متهمین از طرف دیگر مبادرت به تفکیک جرائم از حیث شیوه ارتکاب نموده و در ضمن آن به وظایف و تکالیف ضابطان در برخورد و مواجهه با جرائم ارتکابی پرداخته است. این تفکیک از آن جهت حائز اهمیت مضاعف و دوچندان است که از سوء استفاده ضابطین در راستای انجام وظایف محوله و مالاخذش و آسیب به حقوق دفاعی متهمان جلوگیری می‌نماید. پرواضح و مبرهن است ضابط دادگستری قانوناً نمی‌تواند جرم غیر مشهودی را به عنوان مشهود رأساً تعقیب و از اختیار قانونی خود راجع به جرم مشهود بهره‌گیرد و متهم را برای مدت ۲۴ ساعت بازداشت نماید.

با التفات به مراتب پیش گفته تفکیک صحیح و درست جرائم مشهود از غیر مشهود در تبیین عملکرد ضابطین از یک طرف و رعایت حقوق دفاعی متهمین از طرف دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست. متأسفانه برخی مقامات قضایی خصوصاً دادستان‌های شهرستانها طی بخشنامه یا در قالب دستور به عوامل پلیس اعم از مأموران انتظامی، اداره آگاهی و مأموران راهنمایی و رانندگی مجوز بازرسی اتومبیل‌ها، توقیف خودروها به صرف پخش موزیک با صدای بلند، توقیف وسیله نقلیه به علت بدحجابی راننده یا سرنشین و سپس بازداشت متهم را صادر می‌نمایند یا اینکه به صورت شفاهی یا تلفنی چنین دستوراتی می‌دهند.

اساساً تفویض و اعطای اختیارات کلی، بدون محدودیت زمانی، بدون ضابطه، شفاهی و تلفنی از سوی قضات خصوصاً دادستان‌ها به مأمورین راجع به هر امری که نوعی محدودیت و خدشه به آزادی افراد است و موجبات تعرض به حریم خصوصی اشخاص را فراهم می‌نماید، علاوه بر اینکه مغایر تعالیم و آموزه‌های دینی و مخالف حقوق و آزادی‌های قانونی و مشروع انسانهاست، برای قضات تخلف انتظامی محسوب و ایضاً موجبات سوء استفاده مأمورین انتظامی را فراهم می‌نماید.

۲-۱ مصادیق جرم مشهود

مقنن در ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری بدون اینکه تعریفی از جرم مشهود ارائه نماید، به مصادیق آن پرداخته است. پرواضح و مبرهن است چنانچه جرمی خارج از موارد منعکس در این ماده ارتکاب یابد، جرم غیر مشهود تلقی و قلمداد می‌گردد.

«جرمی که مشهود نباشد، غیر مشهود است». این ساده‌ترین تعریفی است که می‌توان از جرم غیر مشهود ارائه نمود.

تنها ۱۰ درصد جرائم کشف می‌گردد و در جرائم منافی عفت این رقم هم کمتر است.^۱ می‌توان گفت عمده جرائم ارتكابی غیر مشهود هستند؛ یعنی بزه دیده متعاقباً از بزهکاری شخص یا اشخاص مطلع و آگاه می‌گردد. در خصوص جرائم غیر مشهود در راستای حمایت از حقوق و آزادیهای اشخاص و جلوگیری از تعدی به حریم خصوصی آنها، فرض بر این است که جرمی واقع نگردیده است.

از طرف دیگر نکته‌ای که حائز اهمیت است اینکه پلیس حق ندارد به صورت غیر قانونی مبادرت به کشف جرم نماید و این نقیصه که شاید اسم ضایعه را هم بتوان بر آن اطلاق نمود، پیکره حقوق دفاعی متهم را نابود می‌کند.

متأسفانه بعضاً مقامات قضایی با شیوه‌های کشف غیر قانونی جرم مواجه هستند. خصوصاً اینکه این تأسف در آنجا مضاعف و دوچندان می‌گردد که کشف غیر قانونی جرم توأم با گزارش خلاف واقع هم باشد که به مصادیقی از آنها بشرح آتی در قسمت «ارزش و اعتبار گزارش ضابطین» پرداخته می‌شود.

نکته مهم که قابل مذاقه و تأمل است اینکه قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری به شهروندان اجازه تعقیب و دستگیری متهمین را صادر نموده است.

قانونی جلوه دادن تعقیب متهم توسط افراد عادی به زعم نگارنده خلاف موازین قانونی است. این رویکرد قانونگذار می‌تواند عملاً به حقوق متهم لطمه و آسیب جدی وارد نماید. بعضاً ممکن است به لحاظ مشکلات خصوصی، عداوت دنیوی و تسویه حساب‌های شخصی، افراد به ادعای ارتکاب جرم موجبات دستگیری انسان‌های بیگناه را فراهم نمایند.

البته با نگرش در قوانین، می‌توان موارد مشابهی را هم یافت نمود. مقنن در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ اجازه ارتکاب قتل به افراد عادی را در قالب «قتل در فراش» صادر نموده که چنین مقرراتی می‌تواند دارای تالی فاسد باشد. البته پرداختن به موضوع معنونه در این مجال و در این مقال نمی‌گنجد.

علی‌ایحال می‌توان اذعان داشت تا زمانی که جرمی کشف نگردد، به محاکمه و کیفر منجر نمی‌شود. از طرف دیگر بدیهی است که جرم نباید به هر قیمتی کشف گردد.

دیوان عالی کشور فرانسه، رفتار مأموری که از لای درب منزل مبادرت به فیلم برداری رابطه جنسی زن و مردی نموده بود، نه تنها قابلیت استناد ندانسته و حکم به برائت آن دو را صادر نمود، بلکه

^۱ آخوندی، دکتر محمود، تقریرات درس آئین دادرسی کیفری، کارآموزان قضایی دوره ۵۴

رفتار مأمور را در کشف غیر قانونی جرم مورد مذمت و نکوهش قرار داده و قابل تعقیب دانسته است.

تلقی پلیس از جرم غیرمشهود بعنوان مشهود، ضربه مهلکی بر پیکره حقوقی دفاعی متهم وارد می نماید. شوربختانه دادگستری بعضاً با چنین رویه های غلط و ناصوابی مواجه می‌باشد. اصلاح این مهم مستلزم آموزش و تعلیمات ضابطین می باشد.

به زعم نگارنده خلأ پلیس قضایی که منحل و حذف گردید، به روشنی احساس می‌شود. اختیارات ضابطین در سلب آزادی متهم در مواجهه با جرم مشهود اجتناب ناپذیر و غیر قابل انکار است. لیکن نباید هر جرمی را مشهود تلقی و قلمداد نمود. بعلاوه مصادیق ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری حصری است نه تمثیلی؛ یعنی چنانچه جرمی خارج از موارد منعکس در ماده فوق الذکر باشد، قدر متیقن غیرمشهود است. تعقیب یک جرم ممکن است با شکایت شاکی، اعلام جرم یا ارتکاب جرم در مرئی و منظر ضابطان دادگستری شروع شود.

با التفات به مراتب پیش گفته، مذاقه در موارد ذیل ضروری است.

اولاً: گزارش و نامه های اشخاص مجهول الهویه و در قالب « جمعی از امت حزب اله » و غیره قابلیت ترتیب اثر ندارد. ماده ۶۷ قانون آئین دادرسی کیفری به درستی به این مهم اشاره کرده است. به موجب این ماده: «گزارش ها و نامه هایی را که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، نمی تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد...»

ثانیاً: تجربه ثابت کرده بعضی از شکایات مطروحه واهی و بی اساس است و سبب جریحه دار شدن حیثیت متهم می شود. از طرف دیگر باعث هدر رفتن وقت دادگاه و تحمیل هزینه بر بیت المال می گردد.

به موجب ماده ۷۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸: «در صورتی که ثابت شود شاکی تعمداً اقدام به طرح شکایت خلاف واقع نموده، به پرداخت خسارت طرف شکایت طبق نظر دادگاه محکوم خواهد شد». کسی که صرفاً به قصد اضرار به دیگری مبادرت به طرح شکوائیه واهی نماید، مفتری محسوب می شود. متأسفانه مقررات این ماده به دلایل نامعلوم در قانون آئین دادرسی کیفری لاحق حذف گردیده است.

۲-۲ تکالیف و اختیارات ضابطین در مواجهه با جرم مشهود و غیر مشهود

قانونگذار در ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری به تفکیک و صراحتاً به تکالیف و اختیارات ضابطین دادگستری در برخورد و مواجهه با هر یک از جرائم مشهود و غیرمشهود پرداخته است. پرواضح و مبرهن است به لحاظ اهمیت موضوع از حیث ورود ضرر جانی یا مالی به بزه دیده و ایضاً اختلال در نظم عمومی، تعدی و تجاوز به حقوق جامعه و جریحه دار شدن احساسات عمومی افراد به عنوان جنبه های عمومی و خصوصی جرم در بزه مشهود، اقدامات سریع و فوری در راستای جلوگیری از فرار متهم، از بین رفتن آثار و دلائل جرم و... باید معمول گردد. لیکن با وجود اقتضای

تسریع در تعقیب و دستگیری متهم، نایستی رفتار تعقیبی به گونه ای باشد که به حقوق دفاعی متهم خدشه و لطمه وارد شود.

پایه و مبنای جرم مشهود که طریق غیر عادی و فوق العاده رسیدگی کیفری است، ضرورت، فوریت و سرعت است و تشریفات با طبع جرم مشهود ناسازگار بوده، نقض غرض خواهد بود.^۱ مع الوصف این فوریت، نافی عدم رعایت حقوق متهم و نقض حقوق دفاعی وی نمی باشد. ضرورت انجام محاکمه عادلانه و رعایت اصول دادرسی حتی در جرایم مشهود، در قوانین همه کشورها و از جمله ایران به رسمیت شناخته شده است.^۲

می توان گفت انجام هر گونه ایست و بازرسی های معمول شبانه خصوصاً توسط نهاد مقاومت بسیج سپاه پاسداران صورت می پذیرد، فاقد محمل و مجوز قانونی است و همچنین است کنترل های بین جاده ای مأموران مبارزه با کلای قاچاق و مبارزه با مواد مخدر.

نمی توان به بهانه اینکه جرمی واقع شده است، حقوق و آزادی های فردی را خارج از موازین قانونی عرصه و جولانگاه تاخت و تاز قرار داد؛ چرا که این اقدام صریحاً با اصل برائت در تضاد است. حتی در جرائم مشهود نیز اختیار ضابطان در بازداشت متهمین به مدت حداکثر تا ۲۴ ساعت، بایستی متکی و مقرون به دلیل کافی باشد.

متأسفانه مانع بزرگی که در راستای تأمین و تضمین حقوق دفاعی متهم در این قسمت به چشم می خورد اینکه بالغ بر نود درصد متهمانی که پس از بازداشت ۲۴ ساعته توسط پلیس نزد مقامات قضایی اعم از وقت کشیک یا در وقت اداری اعزام می شوند، بلافاصله بدون اخذ تأمین بلاقید دستور آزادی آنها توسط مقامات قضایی صادر می شود. سوابق پرونده های موجود که نهایتاً منتهی به قرار منع پیگرد گردیده و قابل استخراج می باشد، مؤید صحت و صدق این مدعاست. امری که بسیار تلخ و قابل تأمل و مذاقه جدی است.

گفته می شود مأموران در قبال هر دستگیری، حق کشف دریافت می کنند. می توان این رویه ناصواب را با تعلیمات لازم در کلاس های آموزشی و ایضاً افزایش حقوق و مزایای ضابطین دادگستری اصلاح و مرتفع نمود.

شایسته است مأموران و ضابطان حتی الامکان از دستگیری و بازداشت نابجای افراد در پرونده هایی که شاکی خصوصی ندارد و از طرف دیگر دلیل ارتکاب بزه کفایت نمی کند، اجتناب و استنکاف ورزند؛ چرا که آنچه در معرض تضییع، لطمه، آسیب قرار می گیرد؛ عرض، آبرو، حیثیت و آزادی شهروندان است.

قانونگذار به موجب ماده ۴۳ همان قانون با حکمت و درایت قابل تحسین، هر گونه اختیار و آزادی عمل فرا قانونی را به درستی از ضابطین سلب کرده است.

دادگاه عالی انتظامی قضات در خصوص تخلف مقام قضایی راجع به همین امر چنین رأی داده است : «بازپرس دادرسی عمومی که بدون دلیل و مدرک و بدون سبق اعلام شکایت از سوی کسی و

^۱ انصاری، دکتر ولی اله، حقوق تحقیقات جنایی ((مطالعه تطبیقی))، انتشارات سمت، چاپ اول

، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۶۳

^۲ آشوری، دکتر محمد، عدالت کیفری، ص ۸۹

بدون مشاهده جرم مشهود، دستور احضار شهردار محل را داده و ضوابط ابلاغ احضاریه را هم مراعات نکرده، بلکه با دستور تلفنی به نیروی انتظامی اقدام نموده، مرتکب عمل خلاف شئون قضایی گردیده است^۱».

۳. ارزش و اعتبار گزارش ضابطین دادگستری از منظر مقام قضایی

اینکه گزارش ضابطین دادگستری می‌تواند مبنای شروع به تعقیب تلقی و قلمداد گردد، به موجب قانون آئین دادرسی کیفری تصریح، تبیین و تأکید گردیده است.

ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی ب- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن پ-...»

پرواضح و مبرهن است که نوع، نحوه و کیفیت تنظیم گزارش و اینکه آیا مطابق با واقعیت می‌باشد یا خیر، در سرنوشت متهم نقش آفرین و تأثیر بسزایی دارد.

اینکه سنگ بنای یک پرونده کیفری در همان مرحله ابتدائی کشف جرم بنا نهاده می‌شود، بر هیچ کسی پوشیده نیست. ضرب المثل قدیمی و معروف (سنگ اول چون نهد معمار کج، تا ثریا می‌رود دیوار کج) بی‌ارتباط با بحث حاضر نیست. اندک غفلت و سهل‌انگاری در تنظیم گزارش اولیه توسط ضابطان دادگستری می‌تواند ضربه مهلکی بر پیکره حقوق دفاعی متهم وارد نماید.

موضوع بحث حاضر، صرف مسامحه در تنظیم گزارش نیست، بلکه به مراتب فراتر از آن است. متأسفانه بعضی از ضابطین به دلایل مختلف با سوء نیت مبادرت به تنظیم گزارش خلاف واقع می‌نمایند و این نقیصه یک آسیب و چالشی بسیار مهم در پروسه دادرسی کیفری به شمار می‌رود که می‌تواند حقوق متهم را به مخاطره بیندازد. این امر واقعیت تلخی است که علاوه بر متهمان، قضات را هم درگیر داستان می‌نماید. به نحوی که مقامات قضایی بایستی لزوماً قبل از ورود به ماهیت قضیه، بررسی و تأمل نمایند آیا گزارش تنظیمی منطبق بر واقعیت است یا خیر؟ آیا واقعاً بزه‌ی ارتکاب یافته است یا خیر؟

از آنجا که نحوه و کیفیت رسیدگی‌های کیفری نسبت به محاکمات حقوقی کاملاً متفاوت است، قدر متیقن کیاست، بهره‌هوشی و شم قضایی یک قاضی کیفری می‌تواند تبلور و تجلی یابد تا به روشن شدن زوایای پنهان پرونده، کشف حقیقت و اجرای عدالت منجر گردد.

بدیهی است نیل به عدالت مطلوب علاوه بر قضات فاضل، شجاع و آگاه بر امور، مستلزم پلیس مقتدر، قانونمند و دانش‌آموخته می‌باشد؛ چون بر فرض اینکه پنجاه درصد پرونده‌های وارده به دادگستری از نوع کیفری باشد، لاجرم در تمامی این پرونده‌ها ردپایی از پلیس و ضابط به چشم می‌خورد.

نکات مهمی بشرح ذیل در این راستا قابل مذاقه و تأمل است:

^۱ کریم زاده، احمد، دادنامه شماره ۱۱۱ مورخ ۱۳۷۲/۷/۷، تخلفات انتظامی در نظام قضایی، ص

اولاً: ضابط باید به وظایف قانونی و ایضاً انجام اموری که توسط مقام قضایی به وی ارجاع داده می‌شود، آشنا و آگاه باشد.

ثانیاً: ضابط باید آگاه باشد که شخصی در مظان اتهام است، بهر حال یک انسان و یک شهروند می‌باشد. احترام، آزادی و کرامت وی بایستی حفظ و رعایت شود.

ثالثاً: ضابطین از دستگیری و بازداشت خودسرانه افراد ناکرده بزه جداً اجتناب ورزند.

متأسفانه ملاحظه و رصد بسیاری از پرونده‌ها واقعیتی تلخ به چشم می‌خورد که پلیس به صرف مظلونیت و به تصور ارتکاب بزه مبادرت به تعقیب و دستگیری افراد می‌نمایند. انتظار به حق و توقع بجا این است که عملکرد نامطلوب معنونه که موجبات ناراحتی و بدبینی آحاد جامعه را به دنبال می‌آورد، بایستی به حداقل ممکن برسد.

ضابطین باید جایگاه خود را به درستی درک و تحت تعلیمات و نظارت قضات، دستورات قضایی را به درستی و به موقع انجام دهند. بر هیچ کسی پوشیده نیست که احراز بزهکاری نفیاً اثباتاً با مقام قضایی است.

حسب آمار مأخوذه از سیستم بالغ بر هفتاد درصد پرونده‌های متشکله و مطروحه در دادرها منجر به صدور قرار منع پیگرد می‌شوند. شاید به جرأت بتوان گفت بخش قابل توجه این پرونده‌ها، همان گزارش‌هایی است که ضابطین در قالب ((مظلونیت)) تنظیم می‌نمایند، در حالی که کسی به عنوان شاکی خصوصی نیز شکایتی مطرح ننموده است.

علیرغم اینکه دادستان در تمامی شهرستانها، دادیارانی را به عنوان نظارت بر ضابطین منصوب و برای دادیار ابلاغ مخصوص در این مهم صادر گردیده و دادیاران نیز همواره نظارت لازم را بعمل می‌آورند، لیکن رویه‌های غلط و ناصواب برخی ضابطین که به زعم نگارنده ریشه در عادت آنها دارد، کماکان وجود دارد و قضات همواره با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

بر کسی پوشیده نیست که قضات بیشتر از هر مقام و مسئول دیگری دغدغه اجرای عدالت و برقراری نظم عمومی دارند. لیکن اعمال محدودیت‌های سالب آزادی، بازداشت اشخاص و ورود به حریم خصوصی افراد بایستی در چارچوب مقررات و ضوابط باشد. احراز بزهکاری منوط و موکول است به اقناع وجدان قاضی نه ضابط.

ماده ۳۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ گزارش ضابطین را در صورتی معتبر دانسته که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد.

قانونگذار به وثاقت گزارش ضابطین به دیده تردید نگریسته است. قضات هم باید در راستای رعایت حقوق متهم با تشکیک و تردید به گزارش بنگرند.

«گزارش مأمورین وقتی معتبر است که اولاً: مشهود خود آنها بوده، نه نقل قول دیگران. ثانیاً: گزارش دهنده طرف دعوی کیفری (اعم از شاکی و متهم) نباشد. ثالثاً: گزارشات مزبور مربوط به امور جنحه بوده و ناظر به جرائم جنایی نباشد»^۱.

۳-۱-۳ چرایی تنظیم گزارش خلاف واقع

در این قسمت به مبنا و منشاء تنظیم گزارش خلاف واقع یا همان چرایی آن پرداخته می‌شود. تنظیم گزارش خلاف واقع توسط برخی از ضابطین دادگستری می‌تواند از عوامل مختلفی نشأت گیرد. بهرحال اینکه در پروسه و فرایند دادرسی کیفری بعضاً با گزارش‌های خلاف واقع مواجه هستیم، بر هیچ کسی پوشیده نیست.

پرونده‌هایی که در دادرسی نظامی، محاکم نظامی ۱ و ۲ و ایضاً در محاکم کیفری آنجا که مأمور انتظامی در مقام ضابط قضایی مرتکب جرم می‌گردد و این پرونده‌ها راجع به جرائم ارتكابی مأمورین انتظامی تشکیل شده، مؤید صدق این مدعاست و این امر واقعیتی است اجتناب ناپذیر و غیر قابل انکار.

در این قسمت به برخی از علل تنظیم گزارش خلاف واقع اشاره می‌شود:

الف - معدود ضابطان دادگستری ممکن است بر اساس رویه گذشته و حسب عادت غلط، خلاف واقع گزارش دهند و فرض را بر آن بگذارند که بهرحال قاضی گزارش را بررسی و سپس مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ب - ظاهراً معمول و مرسوم است که ضابطین در قبال کشف هر جرمی علاوه بر افزودن آمار و کمیت، مبلغی بعنوان حق کشف دریافت می‌نمایند. بنظر نگارنده این رویه از اساس غلط بوده و مقرون به صواب نمی‌باشد؛ چرا که در نتیجه بهره مالی برای پلیس، جان، مال، آزادی، شرافت و حیثیت شهروندان مورد چالش جدی قرار می‌گیرد و شدیداً به مخاطره می‌افتد و ضربه مهلکی است به پیکره حقوق دفاعی متهم.

البته در دادگستری نیز این عرف غلط رایج است. قضات در قبال رسیدگی اضافه بر متعارف و نصاب در نظر گرفته شده به پرونده‌ها، وجوهی دریافت می‌نمایند که مسئولان ذیربط آن را در راستای کاهش موجودی پرونده‌ها توجیه می‌نمایند.

لیکن باید در نظر داشت که مختومه کردن پرونده‌ها با تعداد هنگفت در فرجه زمانی محدود، علاوه بر اینکه دقت و تمرکز مقام قضایی را مخدوش می‌نماید، احقاق حق و اجرای عدالت به نحو مطلوب را به حداقل می‌رساند. آمار بالای اشتباهات قضایی در صدور آراء و احکام و حجم بالای پرونده‌های موضوع ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری مؤید صدق این مدعاست.

ج - عامل دیگر در تنظیم گزارش خلاف واقع توسط ضابطین، می‌توان به نگاه حداکثری پلیس به جرم تلقی و قلمداد نمود.

^۱ حکم شماره ۱۴۷۷ مورخ ۱۳۲۶/۷/۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور، رویه قضایی ایران شعبه دوم دیوان

ذهنیت برخی از ضابطین بر این امر مبتنی است که افراد حتی به صرف توقف در یک محل، ممکن است جرمی از آنها صادر شود.

۲-۳ ضمانت اجرای تنظیم گزارش خلاف واقع

با التفات به اینکه گزارش خلاف واقع می تواند به تمامیت جسمانی و معنوی فرد خدشه، لطمه و آسیب جدی وارد نماید، قانونگذار در ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ آنرا جرم تلقی و مستوجب کیفر دانسته است.

نظر به اینکه مخاطب گزارش پلیس، مقامات قضایی هستند، خلاف بودن گزارش اعلامی، نه تنها موجب مذمت و نکوهش اخلاقی است، بلکه نوعی بی حرمتی به شئون قضات و جایگاه قضاوت تلقی و قلمداد می گردد.

از طرف دیگر گزارش خلاف واقع توسط برخی مأموران می تواند دارای تألی فاسد باشد. مهم ترین مفسده آن علاوه بر حس بدبینی و ذهنیت منفی شهروندان راجع به پلیس، سلب اعتماد یا حداقل کاهش اطمینان قضات نسبت به مأمورین و گزارش آنها می باشد و می تواند مشکلات بعدی هم دنبال داشته باشد.

ملاحظه، مذاقه و رصد پرونده های کیفری توسط نگارنده بیانگر این مهم است که علیرغم انعکاس حقوق دفاعی متهم که اخیراً نوآوری های درخور تحسین هم داشته، مع الوصف در بستر عمل و اجرا و به عبارت بهتر اعمال و اجرای حقوق دفاعی متهم که قانوناً استحقاق آن را دارد، فاصله ها ملموس و مشهود است.

نمونه هایی از رسیدگی پرونده هایی که سوابق آن موجود است و در این نوشتار انعکاس یافته، به روشنی حاکی از نقض حقوق دفاعی متهمان می باشد.

اصلاح ساختار و تشکیلات، کاهش ورودی پرونده ها، ارجاع ضابطه مند پرونده به قاضی، اجازه حضور وکیل در فرایند تحقیقات مقدماتی، افزایش نیروی انسانی قضایی البته کارآمد و با ذکاوت و شم قضایی و بهره هوشی بالا، دادن آموزش و تعلیمات لازم به ضابطین و لزوم نظارت بیشتر و موثر دادستان ها به عملکرد آنها، حذف پرداختی ها به ضابطین به عنوان بهره وری در کشف جرم به کاهش دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه منجر می گردد، منع دادستان ها از اعطای اختیارات کلی، گسترده، شفاهی و تلفنی به ضابطین در کشف جرم و بازرسی خودروها که منجر به نقض حریم خصوصی می گردد، پرهیز از اعطای اختیارات ویژه به ضابطین خاص توسط برخی مقامات قضایی که ممکن است به تضییع و تحدید حقوق و آزادی های مشروع افراد منتهی گردد، لزوم بهبود نحوه نگهداری متهمین در بازداشتگاه ها از حیث فضا، نور کافی، تغذیه و بهداشت، حذف برخی بازداشتگاه های غیر ضروری تحت تصدی نهادهای خاص که خارج از نظارت معمول سازمان زندان ها می باشد، لزوم اطلاع رسانی شفاف به خانواده و بستگان متهم از محل نگهداری وی، ضابطه مند کردن ورود به منزل افراد جهت بازرسی که لزوماً بایستی موردی و ترجیحاً با حضور مقام قضایی باشد، عدم مداخله، بازرسی و توقیف وسایل و اشیایی که موضوع جرم نبوده و از جرم ناشی نشده و ارتباطی به جرم ندارد مثل توقیف تبلت کودکان و ضبط لوازم شخصی از قبیل آلبوم عکس خانوادگی و...، به حداقل رساندن بازداشت های غیر ضروری توسط ضابطین آن هم به صرف مظلونیت، حذف بازداشتگاه های انفرادی که غیر انسانی و مغایر با تعالیم، احکام و آموزه های دینی است، پرهیز از صدور و ایضاً ابقاء قرار بازداشت موقت غیر ضروری، نهادینه شدن کیفیت رسیدگی به پرونده ها به جای کمیت (که متأسفانه در نگاه و منظر برخی مقامات عالی عدلیه صرفاً به کمیت و آمار بسنده می شود و هر مسئولی در بیان عملکرد خویش به آمار رسیدگی به پرونده ها افتخار می کند که قدر متیقن حجم و تراکم بالای پرونده، اشتباه قضات در تشخیص درست موضوع منجر به اتخاذ تصمیمات و صدور آراء غیر عادلانه را به دنبال دارد) و... می تواند به تضمین و برخورداری متهمین از حقوق دفاعی و انسانی خویش منجر گردد و حقوق مکتوب و مدون پیش بینی شده در قوانین موضوعه به درستی اعمال و اجرا گردد.

الف - قوانین (آراء، نظریات مشورتی اداره حقوقی، بخشنامه ها)

- ۱- قانون اساسی
- ۲- قانون آئین دادرسی کیفری
- ۳- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، قضایی کاربردی اداره پژوهش و اطلاع رسانی مدیریت آموزش دادگستری استان تهران
- ۴- مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، مرتضی محسنی و مرتضی کلانتریان
- ۵- نمونه آرای اصداری از شعبه ۱۱۷۶ دادگاه کیفری ۲ تهران

ب - کتب

- ۱- آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، زنده یاد دکتر محمود آخوندی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۷۷
- ۲- عدالت کیفری، مجموعه مقالات، دکتر محمد آشوری، کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۷۶
- ۳- حقوق تحقیقات جنایی «مطالعه تطبیقی»، دکتر ولی اله انصاری، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰
- ۴- تخلفات انتظامی در نظام قضایی، احمد کریم زاده، موسسه چاپ و انتشارات محمدمامین

ج- مقالات

- ۱- دادستان (اولین نشریه دانشجویان حقوق دانشگاه اصفهان) سال اول، شماره دوک، خرداد ۱۳۷۹
- ۲- جزوه درسی آئین دادرسی کیفری، دوره ۵۴ کارآموزان قضایی، زنده یاد دکتر محمود آخوندی

References

A - Laws (votes, legal advisory opinions, directives)

1. Constitution
2. The law of criminal procedure
3. Collection of legal and applied laws and regulations of the Research and Information Department of the Judicial Education Management of Tehran Province
4. Morteza Mohseni and Morteza Kalantarian, Consultative Opinions of the Legal Department of the Judiciary on Criminal Matters
5. Sample of issuance votes from Branch 1176 of the 2nd Criminal Court of Tehran

B - Books

1. Criminal Procedure Code, Volume 3, Zande Yad Dr. Mahmoud Akhoondi, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Fourth Edition, Summer 1998
2. Criminal Justice, Collection of Articles, Dr. Mohammad Ashouri, Treasure and Knowledge Library, 1997
3. Criminal Investigation Law "Comparative Study", Dr. Valiollah Ansari, Samat Publications, First Edition, Summer 2001
4. Disciplinary violations in the judicial system, Ahmad Karimzadeh, Mohammad Amin Publishing House

C- Articles

1. Prosecutor (the first journal of law students of the University of Isfahan), first year, Duke number, June 2000
2. Textbook of Criminal Procedure, Volume 54 of Judicial Interns, in memory of Dr. Mahmoud Akhoondi